

بازشناسی هنر موسیقی در استان گلستان

## سازهای بادی منطقه کتول



محمدرضا برزگر\*

\* پژوهشگر، داور،  
آهنگساز و مدرس  
موسیقی کتول  
نوازنده دوتار و  
سرپرست گروه  
موسیقی نجوای کتول  
مؤلف کتاب‌های  
«اورشتم» و «نغمه‌های  
کتولی»

مقدمه  
موسیقی، جزئی از فرهنگ هر قوم است که ریشه در تمدن آن منطقه دارد. موسیقی، مانند تمامی اجزای یک فرهنگ، قابل نشر می‌باشد، که این امر تحت تأثیر اختلاط نژادی و مراوده‌ی فرهنگی بین اقوام گوناگون صورت می‌گیرد. موسیقی، یکی از نیازهای فطری همه‌ی انسان‌ها و بلکه همه‌ی موجودات عالم هستی است که آن‌ها هم به نوعی سمیع و بصیرند. بسیاری از پدیده‌های طبیعی مانند صدای آبشار، وزش باد از میان برگ‌های درختان، نغمه‌ی پرندگان، چهارنعل دویدن اسب و ... نوای طبیعی موسیقی ایجاد می‌کنند.

موسیقی محلی هر اقلیم، آیینه‌ای زلال است که تاریخ و فرهنگ آن مردم را به روشنی آفتاب می‌نمایاند. موسیقی منطقه‌ی کتول نیز، چشمه‌ایست بکر و ناب از نغمات آسمانی که از وجود بی‌ادع‌ترین هنرمندان کتولی برمی‌خیزد. این نوع موسیقی از ژرفای زندگی پُرفراز و نشیب قومی برخاسته و به‌تصویر کشنده‌ی یک روز پُرتلاطم، از طلوع تا غروب است. آواها و نواهای موسیقی منطقه‌ی کتول به وسیله‌ی خنیاگران محلی با گویش کتولی به گوش اهل دل رسیده و آن‌ها را به زندگی دلگرم و امیدوار می‌سازد. آهنگ‌هایی که کتولی‌ها حرف دلشان را در آن بیان می‌کنند؛ آهنگ دردها، آرزوها، سوز عشق، تب و تاب فراق و ذوق و شور و حال است. این نغمه‌ها از دیرباز تاکنون بر اساس رنج‌ها، مشقّت‌ها، شادی‌ها، غم‌ها و حماسه‌های قوم کتول ساخته شده است.

اساس و زادگاه موسیقی خطه‌ی سرسبز کتول را می‌توان در نوع زندگی و امرارمعاش آن‌ها کنکاش



کرد. موسیقی در زندگی مردم این منطقه جایگاه مهمی دارد و عامل بسیار مهمی برای حفظ شرف و ملیت ساکنان سربلند این سرزمین است. از آنجا که عمده‌ترین کار مردم این منطقه دامداری و کشاورزی بوده است، بنابراین منشأ پیدایش آهنگ‌ها و مقام‌های کتولی، ریشه در زندگی گالش‌ها، چوپانان و کشاورزان دارد.

ساختار اصلی موسیقی آوازی منطقه‌ی کتول، متکی بر سه مقام «آوازی» شامل: «هرایی» [herāi]، «راست مقام» [rāste meqām] و «کله‌کش» [kalle kaš] است. هرچند، این سه مقام، خود دارای انواع دیگری نیز هستند که به حس مجریان و چگونگی بلندی یا کوتاهی جملات آن، به هنگام اجرا، بستگی دارد. از دیرباز خنیاگران کتول این سه مقام را بر اساس سلیقه و ذوق فردی و با اتکا به سنت بدیهه‌خوانی و بدیهه‌نوازی به اشکال مختلفی اجرا نموده‌اند که به مرور زمان تکامل یافت و پس از شکل‌گیری و تثبیت، به نام خود آن‌ها نام‌بردار گردید. از مقام‌های اصلی، آوازهایی به وجود می‌آید که به آن «ریز مقام» [rize meqām] می‌گویند. ریز مقام‌ها شاخه‌های فرعی مقام‌های اصلی هستند. بر همین مبنا، با گذشت زمان، ده‌ها مقام به مجموعه‌ی مقامات موسیقی آوازی کتول افزوده شد که هر یک به نام خنیاگران پدیدآورنده‌ی آن‌ها خوانده می‌شود.

### سازهای منطقه‌ی کتول

سازشناسی از مهمترین کلیدهای درک تاریخ موسیقی فرهنگ‌های گوناگون است. شناسایی سازها و «موسیقی سازی» در کنار شناسایی «موسیقی آوازی» می‌تواند به درک ارزش‌های فرهنگی و ویژگی‌ها و معیارهای زیبایی‌شناختی یک جامعه کمک‌های شایان توجهی بنماید. سازها می‌توانند به عنوان وسایلی که نمایانگر ارتباط فرهنگی مردمان مختلف هستند، مورد مطالعه قرار گیرند. شناسایی سازها می‌تواند به درک دانش فنی فرهنگ‌های سنتی و بدوی نیز کمک کند.

در این فرهنگ‌ها، به دلیل اهمیت موسیقی و سازهای مختلف در زندگی اجتماعی مردم، صنعت «سازسازی» ویژگی چشم‌گیری داشته است. بررسی و شناسایی سازها به لحاظ حرمت و تقدس آن‌ها نزد مردمان بومی نیز می‌تواند به شناختن اعتقادات، باورها، آیین‌ها، نمادها و اسطوره‌های آن فرهنگ کمک کند. در بیشتر فرهنگ‌های سنتی

می‌توان سازهایی را یافت که نزد مردم تقدس و حرمت ویژه‌ای دارند. تاریخ تکامل سازها در جوامع مختلف، مبتنی بر تاریخ فرهنگ ملت‌هاست. تمام سازهای موجود در جهان، از نظر منشأ اصلی، دارای وحدت و خویشاوندی‌اند.

در موسیقی منطقه‌ی کتول نیز، سازها از تنوعی هم‌چون آوازاها برخوردارند و با بهره‌مندی از ویژگی‌های موسیقی این منطقه، شکل و رنگ و بوی خاصی به خود گرفته و تفاوت‌هایی با هم‌نوع خود، در دیگر مناطق ایران دارند.

اگرچه امروزه کلیه‌ی سازهای رایج در این منطقه هویت بومی یافته‌اند، اما بی‌تردید در اجرای موسیقی مقامی کتولی «نی» و «دوتار» نقش کلیدی بیشتری دارند.

سازهای مورد استفاده در موسیقی منطقه‌ی کتول عبارتند از:

۱. سازهای بادی: شمشاد، نی هفت‌بند، سُرنّا (زرنّا)
  ۲. سازهای زهی: دوتار (دِتار)، کمانچه
  ۳. سازهای کوبه‌ای: دهل (دیل)، دایره (دَس دایره)، تشت و لگن
- شمشاد [šemsād]

شمشاد قدیمی‌ترین ساز در منطقه‌ی کتول است و از سازهای همیشه‌همراهِ چوپان و گالش می‌باشد و در شادمانه‌ها نیز کاربرد دارد. جنس این ساز از چوب افرا، سرخ‌دار، شمشاد، یا نی خیزران است. در قدیم، این ساز را از چوب درخت شمشاد تهیه می‌کردند و به احتمال زیاد، نام شمشاد به همین دلیل روی این ساز گذاشته شده است. دلیل ساخت اولیه‌ی آن با چوب درخت شمشاد این بوده که چون مردم کتول در گذشته، در کوهستان‌ها و جنگل سکونت داشتند و بیشتر به چوب درختان جنگلی دسترسی داشتند، در نتیجه، این ساز را از چوب درخت شمشاد که خوش صدا بود،



می‌ساختند، ولی بعدها با دسترسی به «نیزار» این ساز را از «نی» تهیه کردند و در حال حاضر نیز این روش ادامه دارد. شمشاد، سازی زبانه‌دار است که، از دیرباز تاکنون، در منطقه‌ی کتول به سه شکل دیده شده است:

الف: چهار سوراخ در جلو.

ب: پنج سوراخ در جلو.

ج: شش سوراخ در جلو.

لازم به ذکر است که برخی از شمشادها، یک سوراخ نیز در پشت دارند.

شمشاد، لوله‌ی صوتی کوتاهی دارد که روی آن تعدادی سوراخ صوتی ایجاد شده است.

سَرِ شمشاد (قسمتی که در آن می‌دمند) را به شکل خاصی

بُرش می‌دهند و متناسب با این بُرش، قطعه‌چوبی (از جنس درخت فیک یا چوب‌پنبه) در دهانه می‌گذارند که به آن «زبانه» می‌گویند، به گونه‌ای که بین زبانه و جداره‌ی بدنه، شکاف باریکی ایجاد شود. این شکاف هوای ناشی از دمیدن را مستقیماً به لبه‌ی تیزی که روی بدنه و نزدیک دهانه ایجاد شده، هدایت می‌کند.

برخورد هوا با این لبه‌ی تیز، باعث به صدا درآمدن شمشاد می‌شود. در نواختن شمشاد، گاهی از تکنیک «نفس برگردان» نیز استفاده می‌کنند و به این ترتیب صدای آن ممتد و بدون فاصله به گوش می‌رسد. به خاطر فقدان سوراخ پشت در بعضی از شمشادها، این ساز محدوده‌ی صوتی وسیعی ندارد. البته نوازندگان حرفه‌ای، با تغییر فشار هوا و گرفتن کامل یا بخشی از سوراخ‌ها، سعی می‌کنند که آهنگ‌ها را به درستی اجرا نمایند. در شمشادهایی که دارای سوراخ پشت هستند، به خاطر



محدوده‌ی صوتیِ بیشتر، نوازندگان آهنگ‌ها را بهتر و روان‌تر اجرا می‌کنند.  
نوازندگان برجسته‌ی ساز شمشاد



استاد علی اصفهانی نوده، فرزند علی اکبر  
متولد سال ۱۳۴۲، روستای ساورکلانه



زنده یاد استاد حاج علی اصغر خسروی کنولی،  
فرزند غلامعلی، ولادت ۱۳۱۶، وفات ۱۳۹۷/۱۲/۱۲  
روستای پیچک محله کنول



استاد سیدحسن حسینی، فرزند رمضان، متولد ۱۳۴۶  
روستای بالاچلی



استاد احمد نظری، فرزند غلام، متولد ۱۳۴۷  
روستای چلی

### نی هفت بند

نی، از قدیمی‌ترین سازهای مورد استفاده‌ی بشر است که از گذشته‌های دور تا به امروز در شکل‌های گوناگون در میان تمام فرهنگ‌ها متداول بوده است. شاید بتوان نی را که منشأ شکل‌گیری بسیاری از سازهای هواصدا در فرهنگ‌های مختلف بوده است، ساده‌ترین و در عین حال عجیب‌ترین ساز، با ساختاری ساده و صدایی عمیق و نافذ دانست. این ساز در انواع، اندازه و جنس‌های گوناگون تقریباً در تمام نواحی ایران متداول است و می‌توان آن را یک ساز شبانی و ساریانی دانست؛ زیرا بیشتر نوازندگان این ساز، در نواحی ایران از میان چوپانان و ساریانان بوده و هستند. نی، مهم‌ترین و شاید یگانه‌ترین ساز در فرهنگ چوپانی، شبانی و ساریانی است. بیشتر چوپانان با نواختن نی آشنا هستند



و در زندگی و آداب شبانی، نی یکی از لوازم مهم است. بسیاری از پیام‌های چوپان به دام‌ها، با نی منتقل می‌شوند. در موسیقی نواحی ایران، ورود و خروج دام به آغل، جمع کردن گله، آب خوردن و... هر یک با نواختن آهنگ خاصی با نی صورت می‌گیرد؛ علاوه بر این‌ها، نی همدم تنهایی چوپانان در دشت و کویر و کوهستان است. از این ساز در مراسم و آیین‌های دیگری چون عروسی، سوگ، تعزیه و موسیقی درمانی نیز استفاده می‌کنند. رپرتوار نی نواحی ایران، در درجه نخست به مقام‌ها و آهنگ‌های چوپانی و بعد به مقام‌ها،

ترانه‌ها و آهنگ‌های عمومی آن منطقه اختصاص دارد. نی را هم تنها و هم همراه با آواز می‌نوازند. نی منطقه‌ی کنول که به «نی هفت‌بند» معروف است، از قدیمی‌ترین و اصلی‌ترین سازهای موسیقی این منطقه است و از بلندترین انواع نی در مناطق مختلف ایران به‌شمار می‌رود. بلندی این نی در دو نوع کوتاه و بلند (از نظر زیر و بمی صدا) بین هفتاد تا هشتاد و هفت سانتی‌متر متغیر است. این نی دارای چهار سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت است و نوک آن (جایی که لب قرار می‌گیرد) از بیرون تراشیده می‌شود و هنگام نواختن، روی لب و دندان قرار می‌گیرد؛ که این شیوه، در نی‌نوازی نواحی ایران منحصربه‌فرد است و یک ویژگی محسوب می‌شود. نی‌نواز، هوا را از دهانه‌ی لوله به درون آن می‌دمد و باز و بسته کردن سوراخ‌ها با انگشتان هر دو دست، طول هوای داخل لوله را کم و زیاد می‌کند و در نتیجه صوت‌های زیر و بمی به وجود می‌آورد. حالت‌های کیفی موسیقی با کم و زیاد کردن فشار دیدن و حرکت مختصر انگشت‌ها بر روی سوراخ‌ها ایجاد می‌شوند.

از زنده‌یاد استاد اکبر کنول - نوازنده برجسته‌ی نی کنولی - نقل است که: «استادان قدیم، نی را در اواخر پاییز از نزار انتخاب می‌کردند و تأکید می‌شد که از نی ماده استفاده شود تا از آن صدایی خوش و دلنواز شنیده شود».

چون ساز نی منطقه‌ی کنول، چهار سوراخ در جلو دارد، لذا نوازندگان برای نواختن، سه نوع صدرا اخذ می‌کنند:

۱- بم نرم ۲- اوج ۳- غیث

نوازندگی در صداهای بم نی، حجم بیشتر و در صداهای زیر، حجم کمتری دارد. لازم به ذکر است که صدای غیث نی کنولی فقط در «سروانگ» استفاده می‌شود. سروانگ، یک قطعه‌ی تحریری بین مقام است که بیشتر در «راست مقام‌ها» استفاده می‌شود. در منطقه‌ی کنول از «نی» بیشتر در مجالس و محافل، در اجرای آیین کهن «بیدخوانی» استفاده می‌شود. بیدخوانی (بیت‌خوانی) شیوه‌ای در مقام‌های آوازی کنول است که در منطقه‌ی کنول قدمتی دیرینه داشته و مرسوم‌ترین نوع آواز کنولی است. اگر یک نوازنده‌ی نی بیدخوان را همراهی کند، این شیوه را «نی‌بید» می‌گویند، چنان‌که همراهی بیدخوانی



با دوتار را «تاریید» می خوانند. که به «نی بید» نیز شهرت دارد، استفاده می شود. هنگام اجرای موسیقی با نی هفت بند کتول، صداهایی همراه با صدای اصلی نی شنیده می شود که بخشی از صدای مطلوب نی در فرهنگ نی نوازی این منطقه است و به هیچ وجه صدای اضافه تلقی نمی شود؛ مانند صدای حنجره ی نوازنده یا صدای وزوزِ دایم که اغلب باعث ایجاد صداهای هارمونیک در نی می شود.

معادل سازی فواصل نی کتولی با نُتِ موسیقی، که با صدای بَم و اوج نواخته می شود

- ۱- دست بسته: معادل نُتِ «دو» ۲- از پائین سوراخ اول: معادل نُتِ «ر» ۳- سوراخ دوم: معادل نُتِ «می کرو» ۴- سوراخ سوم: معادل نُتِ «فا» ۴- سوراخ چهارم: معادل نُتِ «سُل» ۵- سوراخ پشت دست باز: معادل نُتِ «لا».

### نوازندگان برجسته ی نی هفت بند کتول



زنده یاد استاد علیرضا خسروی کتولی  
فرزند قربان و گل جان، معروف به «علیرضا کتول»  
ولادت ۱۲۹۵، وفات ۱۳۶۲/۱۱/۱۸  
روستای پیچک محله کتول



زنده یاد استاد حسن خدادادی  
فرزند خدابخش و ماهیگم، معروف به «حسن کتول»  
ولادت ۱۲۸۷، وفات ۱۳۵۵/۱۲/۲۰  
روستای محمدآباد کتول



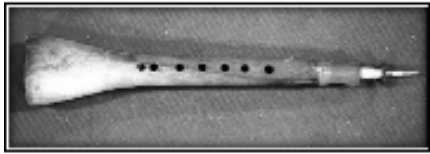
زنده یاد استاد علی اصغر اسلانی کتولی  
فرزند درویشعلی و گل جان، معروف به «اکبر کتول»  
ولادت ۱۳۷۹/۰۸/۲۳، وفات ۱۳۱۹/۰۳/۰۱  
روستای پیچک محله کتول



زنده یاد استاد قربانعلی اسلانی کتولی  
فرزند شیرعلی و خانم، معروف به «قربو»  
ولادت ۱۳۱۷/۰۶/۲۰، وفات ۱۳۹۰/۰۳/۲۰  
روستای پیچک محله کتول

### سُرنا (زَرنا)

سُرنا، مخفف سورنا (نای سور و شادمانی) که در عربی و فارسی به اشکال سورنا، سورنای، سرنی، سورنای، زرنا و صرنا به کار رفته است. سازی با ریشه‌ای کهن و نام‌های مختلف، اصل واژه سورنای، مرکب از نایی است که در جشن و سور می‌نواخته‌اند. این ساز یکی دیگر از سازهای بادی منطقه‌ی کتول است که به آن «زَرنا» [zernā] می‌گویند و به دلیل حجم صدادهی، معمولاً در مراسم عروسی و موسیقی میدانی کاربرد دارد. با «زرنای کتولی» ترانه‌های شاد و یا موسیقی مراسمی مانند: «عروس یاری»، «کشتی‌گیری»، «اسب‌دوانی»، «سرحمامی» و «چک‌سِماع» نواخته می‌شود.



این ساز متشکل از یک لوله‌ی مخروطی شکل است که به آن لوله‌ی صوتی می‌گویند و به عنوان بدنه‌ی اصلی ساز از چوب‌های توت و سرخدار ساخته می‌شود.

در انتهای بالایی آن «قَمیش» قرار می‌گیرد. قَمیش از دو تیغه‌ی متکی به هم تشکیل شده که انتهای آن‌ها در حلقه‌ای محصور است. حلقه‌ای نیز واشر مانند از جنس برنج، شاخ، چوب یا پلاستیک بین لب‌های نوازنده و قَمیش قرار می‌گیرد که به آن «لب‌گیر» گفته می‌شود.



مهم‌ترین تکنیک اجرایی سُرنا «نفس‌برگردان» است. سرنای منطقه‌ی کتول دارای هفت سوراخ در جلو و یک سوراخ در پشت ساز می‌باشد و نوازندگان، بیشتر از صدای بَم آن استفاده می‌کنند.

### شاخص‌ترین نوازنده‌ی سُرنا

